



روسیه در رویای بازگشت به دوران امپراطوری

حمله گرجستان به استان جدایی طلب اوستیا و واکنش روسیه به گرجستان و حمله متقابل و اشغال بخشهایی از خاک گرجستان بهانه ای است تا نگاهی دیگر به روسیه بندازیم که روزگاری همسایه شمالی ما بود بلاواسطه و بعدها فاصله اندکی افتاد تا که کار به اتحاد جماهیر شوروی رسید و باز همسایه لب به لب؟! شدیم شاید هم دیوار به دیوار؟! بلاخره وقایع دهه نود قرن بیستم عاملی شد برای استقلال جمهوریهای اتحاد جماهیری و فراغ افتاد بین ما و روسیه و حال یه چند اضافه همسایه داریم و البته در خزر می توان گفت هنوز دورا دور با همسایه شمالی آب به آب هستیم!!

روح و روانش شاد باد استادم جناب دکتر شیخ الاسلامی که همشهریم هم بود و قومش هم محله با ما در سرچشمه زنگان و این خود فرصتی بود گاهها

معتنم که هم مسیر باشم راهی کوتاه به سوی خانه را و استاد توشه ای از بار تجربه و درس به من هدیه کند مرحوم شیخ الاسلامی اولین دکترای علوم سیاسی در ایران بودند و فارغ تحصیل از انگلستان و بقول خود پا رو خرابه های برلین گذاشته بود در هنگامه سفر به اروپا جهت تحصیل من توفیق داشتم درس تاریخ تحولات را با استاد پاس کنم شاید برای ادای دین به شهر خود این درس را برداشته بود و روزهای پنج شنبه و جمعه را زنگان می آمد تا که غروب پنج شنبه و صبح جمعه خیل دانش پژوهان را ساغری کند و برود و از آنجایی که هم فرصت اندک بود و هم استاد به حق استادی می کرد در درس او چندان برخلاف دروس دیگر به مناقشه نمی نشستم و بیشتر به گوش بودم و اگر می شد پرسش و بس!!

دکتر شیخ الاسلامی کتابی منتشر کرده بود در اواخر سال 1370 با عنوان نفوذ روس و انگلیس در ایران اگر درست به خاطرمانده باشد و اتفاقا اوضاع روسیه در آن مقطع بسیار پریشان می نمود و متعاقب فروپاشی شوروی و جدایی جماهیر حال همچو منی جوان نیز در خیال باز ستاندن حوزه قفقاز و بازگشت آن سرزمینها به مام میهن و پاسخ استاد که اگر همتی به چنین کاری بود باید همان در انقلاب بلشویکها این کار به سرانجام می رسید که نه قدرت اینکار در مرکز ایران وقت بود و نه سیاستمدارانی فهیم که البته اگر می بود سیاست کارانی ورزیده که به حتم ایران وقت قدرت می داشت و توان تا بازگردان اراضی خود به غارت رفته در ننگین نامه های گلستان و ترکمنچای را!!

روزی استاد در بحثی گفت نه پندارید که روسیه تمام شد نه این ضعف روسیه مقطعی هست روسیه امپراطور بوده و به دوران امپراطوری خود باز خواهد گشت!!

از ریشه های و علل عقب ماندگی ما ایرانیان در آن دوره می گفت و از تلاش عباس میرزا برای تشکیل ارتش منسجم و منضبط و از روح ناسازگار ما ایرانیان و بالا بودن فردیتمان و اینکه چگونه عباس میرزا رو به غرب داشت برای توسعه کشور چرا که او شکست را پذیرفته بود و در پی جبران آن بود و بواقع درد را یافته و در پی درمان درد بود . چه درد ناک است ولی (ولیعهد) یک کشور برای مطیع کردن روح سرکش و عناد آلود قوم خود به صف شود برای دوره و آموزش رژه!!

امروز در برش تاریخ چه سهل می یابیم شکست دوره قاجار در برابر روسیه تزاری را و چه آسان می بینیم که می شد آن جنگها را مانع بود و می شد به آسانی در آن جنگها دشمن را شکست داد و آنچه این سهولت در پندار را برای ما ممکن می سازد داشتن اطلاعاتی هست که امروز در برش تاریخی ما به آن زمان به اوضاع اشراف پیدا می کنیم کاری که در آن مقطع نبود!! یعنی کار

اطلاعاتی صورت نمی گرفت و سلطان به اندازه یک رعیت درک از مقولات جهانی نداشت اصلا اوضاع میهن نمی دانست تا چه رسد به در و همسایه و یا فرنگ و جهان !!؟

اگر نامه فتحعلی شاه به سفیر خود در استانبول ببینید و بخوانید آنوقت مصیبت ملت و میهن در خواهید یافت که همه ایران نخبه چو ابو علی سینا و شیخ طوسی نبوده چه بسا که احمقها کفه سنگین بوده نه به اکثریت بلکه اکثریت قاطع !!؟

فکر نکنید همه ناصر خسرو بوده اند و خاقانی و یا که سعدی آنهم به سدهای پیشین که سفر کنند و حکمت آموزند و خلق خیر دهند هر چند به بلاد اسلام ، نه ! چنین نبوده تنها سیاحان که رو به فرنگ کرده گر اشتباه نکنم حاج سیاح است که از همدان یا محلات راه افتاد و رفت سوی شمال غرب و سر از فرنگ در آورد به دوره ناصری از قاجار !!؟

بعد به دربار شد و قصه از بلاد غرب گفت که خلق چگونه زیست می کنند . کار نیک آنکه از خود سفرنامه ای نیز به یادگار گذاشت آری اوضاع ایران آنروز وحشتناک بود ایرانی بود عشایری و ایلی و به چند شهر بزرگ همه که به قریه می ماند رونقی نبود به صنعت مگر تجارتي اندک و ارتزاق به فلاحت اطراف و اکناف !!؟

بسیار گفته ایم هنر نزد ایرانیان است و بس و به خود غره شده و به نداشته ها نزد بیگانگان بالیده ایم ولی واقع آن است که تا همین قبل انقلاب سلطنتی که نه حتی 10 سال بعد از همین انقلاب به بسیار روستاها حمام خزنه داشتیم و کس از ده و دهستان به شعور نرسید که تواند به خانه حمام سازد و ره خزنه پیش نگیرد !!؟ حال برآستی چه توقع بود از عباس میرزا به قریب دویست سال پیش که جنگ با روسیه ای که صنعتی شده بود و ادای امپراطوری در می آورد شکست نخورد !!؟ با کدام علم و کدام صنعت و خرد !!؟

با آن همه پهنه و کرانه به دریای جنوب و خلیج فارس نه کشتی رانی داشتیم و نه ناوگان دریایی و نه حتی به دریای خزر !!؟

تنها سلاح سنگینمان زنبورک بود به ادعایی توپ که بعد از شکست در برابر عثمانی در چالدوران دریافته بودیم که باید رو به غرب آورد در جهت رفع استضعاف !!؟ غافل از آنکه درد ما تاجر است و نیاز به رنسان داریم و به باورهای خرافی باید که پروتستانیسم پیشه کنیم تا گرفتار سلطان حسین نشویم که کارش به رمل بود و استخاره و تسبیح که نهایت ملک به غارت افغان داد و تاج بر سر متجاوز گذاشت که به حق سرش رو سینه نهادند !!؟

حال بگذار امروز به گزافه احمدی نژاد به تحمیر خود و باورمندانش نشیند که قله های علم جهان ما فتح کردیم و هشاد درصد پیشرفت علم مدیون ماست !!؟ خب اگر چنین بودیم و هستیم پس چرا چنین است حال و روز ما !!؟؟؟

از دوره عباس میرزا می گفتم و فرنگیها که عزم ایران کردند تا ارتش نوین مسلح به سلاح گرم تربیت کنند و بیچاره عباس میرزا که چه خون دل از بی نظمی نیروها و تخریب متشرعین نمی خورد . برای نبرد و جنگ نیروی آماده و تمرین کرده و کارآمد و بروز شده لازم هست نه آنکه چند آخوند مفت خور متحجر نجف نشین فتوا و حکم جهاد دهند که چه شده بلاد کفر به بلاد اسلام یورش آورده مسلمین بپا خیزید !!؟ و عوام به بوقچه ای نان و آنچه از سلاح به کف داشتند که البته چوب دستی و داس و بیل و کلنگ بیش نبود عزم هجوم به روسیه می کنند و عباس میرزا را گرفتار جنگی نابرابر دوم که حاصل پیشروی روسیه هست تا نزدیکهای زنجان امروز یعنی میانه را می گیرند و اردو به خوی و مراغه برپا می کنند و صلح ناگزیر مرزمان را ارس قرار می دهد و کلی هم خراج باید به روس می دادیم با ناله و نابه !!؟

حال اگر سیاستی بود به آن دوره و اگر اهل خرد و دانشی بود و اگر عالمی به علم تجربه بود به حکومت و فاضل به دین و مذهب همانا افسار آخوندها می کشید و به درایت مشکل گرجستان مسیحی نه البته بلد اسلام حل می کرد تا آن بلد متصل به روس مسیحی نشود و ایضا ارمنستان مسیحی چنین نمی کرد !!؟

اگر کار به نبرد بود که شیخ شامل به داغستان باید پشتیبانی می شد و جواد خان به گنجه تا که بیرق شیر و خورشید زمین نیفتد و آن شیر مرد و رزم آور به خون غلت نخورد و شهید ستم شود !!؟

امروز چه سهل می نماید دفاع از میهن به آن زمان !!؟ و چه به تدبیر می شد کارها کرد کارستان !!؟ اشراف امروز ما محصل علم است که در آن دوره فاقد آن بودیم و بلای امروز میهنمان نیز همان است به امروز وقت دارای علم کافی برای سیاست نیستیم حاکمیت آخوندی متحجر است و همان بلا سر مان می آورد که به دوره قاجار آورد و مشروطه !!؟

امروز نیز میهن ما در معرض آسیب قرار دارد در حالی که می توانست و می تواند نباشد؟! آیندگان چگونه به قضاوت خواهند نشست در برش زدن به تحولات تاریخ میهن و چه سهل خواهند یافت درمان دردهای زمان مان که ملت امروزمان چه آسوده و بی خیال غافل از آنهاست!!؟

فقط دیروز نبود که ایران ما حوزه نفوذ روس و انگلیس بود امروزمان هم چنین است و چه بی خردانه گرو داده ایم امور میهن خویش به دست شرق و غرب!!؟ اگر دیروز روس بود انگلیس امروز شده روس و چین و غرب شامل آمریکا و فرانسه و انگلیس!!؟

آیا خیانت بالاتر از این؟ پس کو کجاست آن شعار استقلال؟ کو کجاست آن نه شرقی و نه غربی؟

به جای تفاهم بر سر منافع و تعامل با جهان پیرامون امروز منافع ملی و میهنی را به گروگان داده ایم دست این قدرت و آن قدرت تا که آنها سر ما معامله کنند!!؟ چه بی شرمانه دست بوس روسها شده ایم غافل از آنکه این کشور متجاوزتر بوده و چه بسا لذت از تجاوزش برده ایم که چنین غمزه و کرشمه ایران خانوم به اوست!!!!!!؟؟ وقتی درک واقعیت نمی کنیم خب غافل از کنه ذات حقیقت هم هستیم طبع، اگر بحث منافع است طبعاً این متجاوز لذت خود را که ببرد با غرب کنار خواهد آمد کاری که بارها در طول تاریخ کرده است و ما هنوز درس نگرفتیم و البته کار درست همان روسها می کنند ایراد از ماست!!؟ از ماست که برماست!!؟

برگردیم سراغ گرجستان که روزگاری آغا محمد خان به تصرفش در آورد و تفلیس به آتش کشید!!؟ آغامحمد خان نیروهای رزمی ورزیده ای داشت که عموماً ناشی از ریاضتی بود که به نیروها می داد و البته اگر مرگ کاترین فرا نمی رسید چه بسا در نبرد آخر که صورت نگرفت شکست سختی می خورد به هر روی اگر می بود کیاست و سیاست در امور میهن حال چه بسا مام میهن بر پهنای دریای سیاه نیز کرانه داشت!!؟ و حرفی به عمل برای گفتن در عرصه جهانی داشتیم بعنوان قدرتی بزرگ!!؟

از سال 1381 در بنیاد سورس (جامعه باز) به شعبه باکو در آذربایجان مشغول فعالیت بودم برای کارهای خودمان و حواسم هم جمع بود به فعالیتهای بنیاد در کشورهای مشترک المنافع (مجموعه جمهوریهای جدا شده از اتحاد جماهیر شوروی سابق) خصوصاً اوکراین و گرجستان و از نزدیک تحولات گرجستان که شواردنزاده وزیر خارجه گورباچف در شوروی حالا رییس جمهورش بود را دنبال می کردم و احوال ساکاشویلی جوان که فرزند یکی از مدیران ک گ ب شوروی سابق که حالا به غرب در آمده بود جهت تحصیل و با اندیشه غربی سوی گرجستان شتافته بود را نیز رصد می کردم!!؟ تا که به انقلابی مخملی و با گل سرخ در سال 2003 قدرت به دست گرفت و غرب هم با خط لوله باکو تفلیس جبهان دست تقدی بر سر گرجستان کشید و هم ترکیه را لطف کرد و ایران ما را تنبیه! در حالی مسیر خط لوله از ایران هم به صرفه بود و هم امنیت داشت به هر روی غرب در چالش با ایران و روسیه مسیر گرجستان انتخاب کرد تا که شاید در بحران انرژی دست بالا داشته باشد غافل از آنکه روسیه هنوز اهرم فشار گاز خود بر اروپا در دست داشت و دارد. ساکاشویلی از همان روزهای نخست مشکل میارزه با مافیای اقتصادی در کشورش و فساد که به باورش میراث روسیه بود را داشت همراه با مشکل ابخازیا و اوستیا که وعده بازگرداندنش به خاک گرجستان داده بود داشت و به دوره پوتین که همچو پدر ساکاشویلی از مدیران ک گ ب بوده به مامشات سپری نمود و در تلاش بود که گرجستان را به عضویت ناتو در آورد تا که کشورش را از تعدیات روسیه مصون سازد و بی دلیل نبود حمایت از حمله به عراق و همکاری با ناتو و فرستادن نیرو به عراق و البته گرجستان همکاریهای وسیعتری با ناتو و آمریکا به عمل آورد و با اسرائیل هم پایی بسیار نمود که همه این کارها از دید مسکو پنهان نبود. با رفتن پوتین از قدرت که بواقع زیاد هم دور نرفته و سایه او کماکان بر کاخ کرملین سنگین می نماید ساکاشویلی چه بسا با محاسبه اشتباه خواست بخت خود بیآزماید در باز گرداندن اوستیایی جنوبی متمرد و ابخازیای جدایی طلب که چه بسا این جوان انقلابی مخملی!!؟ به غفلت از سوی غرب وسوسه و تحریک نیز شده بود که بعید نیست ترفندی از سوی جمهوریخواهان نیز بوده باشد برای حفظ کاخ سفید در انتخابات آتی آمریکا به هر روی این عمل ساکاشویلی ناپخته بود که منافع ملی کشورش را به بازی قدرتها سپارد و حاصل حضور پررنگ قدرتها در منطقه هست و خواهد بود و چالشی دراز مدت!!؟

که در این چالش مسلم ایران ما نیز متأثر از روند تحولات خواهد بود و حال این تاثیر پذیری چگونه باشد را باید دید بازیگران عرصه سیاسی کشورمان چگونه نقش بازی می کنند و در چه رلی هستند!!؟ آنگونه که از شواهد پیداست رژیم به روسیه نقش بیشتری در به گروگان گرفتن منافع ملی کشورمان داده تا که در چالش با دنیای غرب از این گروگان برای مصالح و منافع ملی خود روسیه سود جوید!!؟ البته رژیم بنا بر راهبرد اشتباهی که از ابتدای انقلاب داشته از این اشتباه نیز ناگزیر بوده است و اینگونه نیست که نا غافل تن به چنین اشتباهی داده باشد. نماینده کردن مهدی صفری سابق رژیم در مسکو برای مذاکرات تقسیم حقوقی خزر و یا اخیراً همراه ساختن این دیپلمات برای مذاکرات هسته ای رژیم دقیقاً از این روی هست که می دانند چه می کنند!!؟

در بحران روابط روسیه با غرب به بازی دادن منافع ملی و میهنی ما نه تنها اشتباه که اسفناک است چرا که قدر مسلم در خط مقدم آسیب کشور و منافع ملی ما قرار دارد که قربانی می شویم . قدرتهای بزرگ به خوبی دریافته اند که میدان برخورد و تقابل را تا می توانند از مرزهای خود دور سازند و بی جهت نیست حضور آمریکا در منطقه و یا عقد پیمانهای نظامی و امنیتی مشترک با کشورها و یا اخیرا قراردادهای دفاعی تحت عنوان سپر دفاع موشکی !؟

البته ناگفته نماند روسیه گذشته از چالشهای قومی داخلی که بزرگترین تهدید و آسیب برای این کشور وسیع دایما بشمار می رفته است که در گذشته از سوی تاتارها و یا مثل چندی قبل از ناحیه چچنها که البته هر دو این جمهوری خودمختار در فدراسیون روسیه هستند. روسیه از سوی دولتهای خارجی هم مورد تهدید و تعدی قرار داشته است به دوره ای از سوی کشورمان ایران در دوره آغامحمد خان که تا تقیلس بیشتر نرفت و بعد از آغامحمد خان این روسیه بود که در قلمرو ما تاخت و شکستمان داد و قفقاز نصیب برد !؟

در دوره ای فرانسه با ناپلئون بناپارت تا مسکو تاخت ولی باز این روسها بودند که بعد از شکست سخت جان دوباره یافتند و عاملی شدند تا که در قلب اروپا ناپلئون به واترلو بلژیک شکست بخورد و بد فرجام گردد !؟ انگار نه انگار که همین ناپلئون ناباورانه بر سنگفرشهای مسکو نشسته بر زمین اسب محسور پیروزی خود در شهر سوخته بود !؟ در جنگ جهانی دوم هم نیروهای آلمان هیتلری تا پشت دروازههای مسکو تاخته بودند و در بیست کیلومتری مسکو به نبرد سختی مشغول ولی فرجام کار این بود که روسیه به رهبری استالین که اتفاقا گرجستانی و یا همان گرجی هم بود اولین فاتحانی بودند که به برلین وارد شدند و جنازه هیتلر نیز از بونکر و پناهگاه بیرون کشیدند !؟ این از آن جهت گفتم و نوشتم که نباید روسیه را دست کم گرفت !؟ البته غرب به این واقعیت واقف است و خوب می داند تواناییهای روسیه چیست و از چه تاریخی برخوردار است و سرزمینهای پهناورش چه امتیازی به این کشور بخشیده است و البته غرور ملی و میهن پرستی که روسها از آن برخوردارند و صد البته شطرنج بازان قهاری هم بوده و هستند و مطمئن به شطرنج سیاسی نیز تبحر ویژه دارند و بیخود نیست که مهرهای خود به میدان سیاسی ما چیده اند !!؟

ای کاش استاد زنده می بود جلد دوم به کتابش اضافه می کرد تحت عنوان نفوذ شرق و غرب در ایران بعد جمهوری اسلامی !؟

استاد شیخ الاسلامی چون اساتید دیگر دوستم می داشت و نظر لطفی در حقم داشت و من وقتی خبر درگذشت آن شادروان به تنهایی سلول انفرادی بازداشتگاه اطلاعات به پاییز سال 1379 در روزنامه خواندم به یاد آن بزرگوار غم وجودم فرا گرفت بخصوص وقتی دریافتم که کتابخانه خود فروخته بود تا که آپارتمانی کوچک آخر عمری برای خود داشته باشد !؟ استاد مقطعی به دوره رژیم سلطنت دیپلمات به پاکستان هم بوده است حال با آن سوابق خانه از خود تا پایانه های عمر نداشت استاد تا جایی که من خبر داشتم عزب هم بود و ازدواج نکرد روح و روانش شاد باد و قرین رحمت حق

پنج شهریور سال 1387

رسول عباسی